

## مکتبی بر «زنان خیانت پیشه هم تاریخ می سازند»

خانم "ملالی نظام"، در یک "وبسایت"، به نام "دعوت میدیا ۲۴" (<https://dawatmedia24.com/>)، تحت عنوان فوق مطلبی را بدست نشر سپرده است، که در برخی از برداشتها و قضاوتهای فردی خود در باره شخصیت یک انسان، از مرز آداب انسانی قدم فراتر گذاشته و متجاوز به کرامت انسانی شده است. از آنجائی که این نویسنده با موقف و نظرات او و هم چنان تا حدی به روابط "اجتماعی" و مناسبات فامیلی و خویشاوندی او، آشنائی دارد، چون یک "زن" است و از نگاه تاریخی این روز، در حیات بشر رویدادهائی هم ثبت تاریخ است که باید در امر تساوی حقوق زن و مرد تلاش صورت گیرد، هدف این نویسنده آغاز کدام مشاجره با خانم نظام نیست. اما ازینکه جامعه افغانی ما به صلح نیاز دارد، پس باید بیشتر از زبان صلح و کلتور مناسب در مطابقت با فضای لازم کار گرفته شود. یک زمانی این نویسنده با خانم ملالی نظام صحبت های تلیفوفی هم داشته است، به هیچ صورت در جواب به ایشان به عمل بالمثل متوسل نمی شود و کردار نا مناسب او را تکرار نمی کند. جای افسوس است که این "خانم" تا این سن، فرق میان حریم "شخصی" و حریم "شغلی" و یا تفاوت موقف "فکری" و مکلفیت های تشکیلاتی "سیاسی" را با حیات شخصی نمی بیند و یا نفهمیده است. در فعالیتهای اجتماعی که معمولاً در تحت موضوعات "نظری" و "عقیدتی" نیز یاد می گردد، ممکن اصلاً از کنترل خارج شده باشد. اولاً باید حضور خوانندگان محترم بعرض رسانیده شود، که وقتی خانم ملالی نظام از "خیانت پیشه" نام می برد، و به یک "زن" نسبت می دهد، در قدم اول باید درک کند که چه نوع "پیشه" را "هدف" خود قرار داده است. درین "پیشه" مطابق چه قرارداد کاری از جانب "کارفرما" مقرر شده است. در برابر همچو پیشه چه دستمزد بدست می آورده است. آیا این چنین پیشه را در یک دفتر "تکت فروشی" سفرهای هوائی در کشورهای صنعتی غرب چون ایالات متحده آمریکا اشغال داشته است و یا در آسیا و آفریقا. هم چنان فرد مورد نظر او، چه نوع "خیانت" را مرتکب شده است. "فیلسوف معروف" اتریشی - برتانوی در قرن بیست، یک زمان گفته است که "تاریخ نه هدف دارد و نه مفهوم"، اما در عین حال تأکید می ورزد که "ما می توانیم، این هر دو را برای آن ببخشیم" و آن اینکه از تاریخ برای "جامعه باز" و علیه دیکتاتوری و در امر تعمیم تجارب دیموکراسی، کار گیریم. او هم چنان می گفته است: "بگذارید که تئوریهها بمیرد، نه انسانها" از جانب دیگر توصیه می نموده است، که از "تعقل منطقی" به جای "دگماتیسم" کار گیرید.

اگر در خیانت احتمالی به یک فرد و یا کارفرما، ضرر رسانیده باشد، پس ممکن یک عمل جرمی شناخته شده باشد، که مراجع قانونی بر طبق دعوای معین، صلاحیت محکوم نمودن به جزا را دارند. مجرم و یا محکوم با پیروی از



Briefwechsel: Hannah Arendt zwischen Herzen...  
(تبادل نامه: هانا آرنست در بطن قلبها...)

قانون جزای معینه را متحمل می شود. فرد دیگر که قانون برای او وظیفه نداده باشد، حق صدور حکم و تهمت را ندارد. حال وقتی از موقف اجتماعی "زن" حرف می زنیم، موضوع بر سر حقوق زن به معنی عمومی و مجموعی است. در یک مقاله این نویسنده در تحت عنوان: "۸ مارچ روز همبستگی زنان جهان گرامی باد!"، مثالهای معینی از تلاشهای زنان جهان برای احقاق حقوق آنها، تذکر رفته است. در جمله از "هنا آرنست"، فیلسوف و "تئوریسن سیاسی" قرن بیست، درین روز نیز یاد شده است. آن شخصیت معروف و فراموش ناشدنی قرن بیست، که در قلبهای میلیونها انسان جا گرفته است، نزد او در رابطه با حیات اجتماعی، "انسان" به حیث "فرد تنها" مطرح نبوده است، و

نمی گفته است که "این انسان"، بلکه نزد او "انسانها" مطرح بوده است، که حیات اجتماعی را مشترکاً باید سروسامان می داده اند. او چنین موجودات جمعی انسانها را در تمام جهان در نظر می گرفته است. اینکه "هنا آرینت" با سرگذشت دشوارش که حال ۴۶ سال از تأریخ وفات او می گذرد، در حالی که در سنین جوانی به نسبت «بهبود بودن» و موقف «انتقادی» او نسبت به مسایل حیاتی، از جانب «پولیس نازی های آلمان» بازداشت و بعد از «برائت» از کشور، جبراً مخفیانه فرار اختیار می کند، که «رژیم فاشیستی» او را از حق «تابعیت دولتی» محروم می سازد، اما حال در شهر «پایتخت آلمان»، در موزیم «تأریخ» آنکشور برای آثار و زندگی این شخصیت معروف که در «نیویارک» وفات یافته است، یک بخش خاص در موزیم، وجود دارد. برای معلومات بیشتر می توانید، ازین «لینک» که در «آریانا افغانستان آنلاین» ذخیره شده است، از مقالات دیگر در باره "هنا آرینت"، استفاده نمائید.

### [آریانا افغانستان آنلاین \(arianafghanistan.de\)](http://arianafghanistan.de)

در اثر معروفش، تحت عنوان: "قدرت و زور یکی نیست"، در جایی در رابطه با نقش انسانها در امور سیاسی و حاکمیت، چنین ابراز نظر نموده است:

„Macht entspringt der menschlichen Fähigkeit, nicht nur zu handeln oder etwas zu tun, sondern sich mit anderen zusammenzuschließen und im Einvernehmen mit ihnen zu handeln. Über Macht verfügt niemals ein Einzelner; sie ist im Besitz einer Gruppe und bleibt nur solange existent, als die Gruppe zusammenhält.“

Hannah Arendt

"قدرت از قابلیت انسانی منشاء می گیرد، نه اینکه تنها عمل کند و یا چیزی به انجام رساند، بلکه با دیگران می پیوندد تا در موافقت با آنها عمل کند. بر قدرت هیچ یک فرد تنها تصرف ندارد، بلکه در مالکیت یک گروه قرار دارد، و تا آنزمان موجودیت نشان می دهد، که گروه، با هم اند."

طوری که در ترجمه سمت راست "نقل قول" می توان دید، «هنا آرینت» و تعداد بی شمار فیلسوفان و دانشمندان دیگر در بخش علوم اجتماعی و سیاسی «قدرت» را در تصرف هیچ فرد تنها نمی بینند. او هم چنان تأکید می ورزد که انسان، در چنین بخش «تنها عمل» نمی کند. قدرت را تا زمانی در ملکیت یک «گروه» می داند، که «گروه» با هم اند.»

نویسنده، مرحومه داکتر اناهیتا راتب زاد و تعداد دیگری از زنان محترم وطن ما را که برای حقوق زنان با طرز تفکر خود آنها مبارزه می کرده اند، و حال در میان ما نیستند، می شناخته است. در یکی صحبت های یک زن مبارز که در صحبت با «ژورنالیست» آلمانی در باره نقش "داکتر راتب زاد" در "تأسیس نهضت زنان" افغانستان، که از او به عنوان بنیانگذار "سازمان دیموکراتیک زنان افغانستان" یاد کرد، که در نقش ترجمان به یاد دارم، در حالی که صحبت کننده خود یک زن بود، از "زیبایی" خاص آن زن جوان تعلیم یافته یاد نمود. بعد از آن، مرحومه نه تنها در



رهبری "حزب دیموکراتیک خلق افغانستان"، بعد "حزب وطن" عضویت داشت است، بلکه در عین حال در زمان سلطنت به عضویت در "ولسی جرگه" نیز نائل گردیده است. در باره دوران "حاکمیت" این حزب و شکست آن، هر کس بصورت کافی معلومات دارد. تأریخ هم ممکن در آینده قضاوتها را درج کند. حرف بر سر این نیست که از یک فرد، به حیث سیاستمدار "دفاع" صورت گیرد و یا در مخالفت با او قدم برداشته شود، بلکه

وظیفه انسانی اینست، که بر شخص و کرامت او به عنوان انسان، بی احترامی نه شود. انسان مجرم هم حق دارد، تا با حفظ کرامت انسانی او برایش حق دفاع و هم فرصت داده شود تا "جزای حکم شده" را بگذراند و بعد از آن حق فارغبال شدن را هم داشته باشد.

پایان

[www.dawatmedia24.com](http://www.dawatmedia24.com)